

خیلواکی



استقلال

www.esteqaal.net

از منابع دیگر

پنجشنبه ۲۰ اگست ۲۰۲۶

صد و هفتمین سالروز استرداد استقلال افغانستان است

داستان این روز تنها داستان یک جنگ نیست، بلکه داستان جوانی است که پس از رسیدن به پادشاهی، یک خواست ساده، اما بزرگ را مطرح کرد: افغانستان باید خودش درباره جهان تصمیم بگیرد.

امان الله خان در سال ۱۲۹۷ خورشیدی، در ۲۷ سالگی پس از کشته شدن پدرش، حبیب الله خان، به قدرت رسید. در آن زمان افغانستان از نظر داخلی کشور مستقلی بود، اما در روابط خارجی، بریتانیا نفوذ و کنترل گسترده ای داشت و کابل نمی توانست مانند یک کشور کاملاً آزاد با جهان روابط خارجی خود را تنظیم کند. امان الله خان این وضعیت را نپذیرفت و اعلام کرد که افغانستان باید در امور داخلی و خارجی استقلال کامل داشته باشد.

درگیری میان کابل و بریتانیا سرانجام به جنگ سوم افغان و انگلیس در سال ۱۹۱۹ انجامید؛ جنگی کوتاه که از ماه می تا جون همان سال ادامه یافت. نیروهای افغانستان در چند جبهه وارد خاک هند بریتانوی شدند و در سوی دیگر، نیروهای بریتانیا نیز تا نزدیکی کابل پیشروی کردند و حملات هوایی به پایتخت انجام شد. سرانجام دو طرف به سوی مذاکره رفتند.

نکته جالب اینجاست که استقلال افغانستان در یک لحظه و با یک امضا به وجود نیامد. مذاکرات پس از جنگ ادامه یافت و پیمان راولپندی زمینه پایان نفوذ بریتانیا بر سیاست خارجی افغانستان را فراهم کرد. بعدها مذاکرات دیگری در سال های ۱۹۲۰ و ۱۹۲۱ انجام شد و جایگاه استقلال افغانستان بیشتر تثبیت گردید.

پس از این تحول، افغانستان فقط از زیر نفوذ سیاست خارجی بریتانیا بیرون نیامد؛ کابل به تدریج به پایتختی با روابط گسترده تر جهانی تبدیل شد. نمایندگان سیاسی کشورهای مختلف به افغانستان آمدند و حکومت امان الله خان تلاش کرد روابط دیپلماتیک خود را با کشورهای گوناگون گسترش دهد.

در همان سال های نخست استقلال، افغانستان با روسیه شوروی روابط نزدیکی برقرار کرد و امان الله خان حتی پیش از پایان جنگ ۱۹۱۹ با رهبران انقلاب روسیه مکاتبه داشت .

داستان ۲۸ اسد از این رو تنها خاطره یک پیروزی نظامی نیست؛ یادآور لحظه ای است که افغانستان خواست در سیاست خارجی خود صاحب تصمیم باشد و خودش تعیین کند با کدام کشورها رابطه داشته باشد و چگونه با جهان سخن بگوید.

اولین سند رسمی استقلال افغانستان

امان الله خان بعد از اعلام رسمی پادشاهی خود، اعلامیه مفصلی را در سراسر افغانستان چاپ و منتشر کرد و در این بیانیه که اولین سند رسمی اعلام استقلال افغانستان به شمار می رود، استقلال و حاکمیت آزاده افغانستان را اعلام کرد.

بعد از مدت کوتاهی که امان الله خان به اوضاع مسلط شد، نامه ای برای «لارد چلسفورد» نایب السلطنه هند فرستاد و ضمن اعلام پادشاهی خود و استقلال افغانستان، برای امضای قرارداد جدید بین افغانستان و انگلیس ابراز آمادگی نمود.

چند روز بعد نامه دیگری با امضای «محمود طرزی» مسئول روابط خارجی افغانستان به مقامات انگلیسی فرستاده شد. طرزی در این نامه مقامات انگلیسی را از تشکیل وزارت خارجه افغانستان به سرپرستی خود مطلع ساخت و به همین ترتیب به مقامات، روسیه، جاپان، امریکا، ایران، فرانسه و ترکیه نیز نامه هایی فرستاد و به کشورهای مذکور از استقلال افغانستان خبر داد.

«سنزل نوید» در کتاب «افغانستان در عهد امانیه» آورده است، تشکیل وزارت خارجه، بلافاصله پس از نشستن امان الله خان به تخت پادشاهی، خود نشانه تصمیم بی چون و چرای امان الله خان برای دستیابی به استقلال کامل افغانستان بود.

امان الله خان بدون اینکه از جواب دولت انگلیس مطلع شود، استقلال کامل افغانستان را به صورت یک جانبه اعلام کرد و به این ترتیب آمادگی خویش را برای مقابله با انگلیس آشکار ساخت.

بر اساس نوشته «مصباح زاده» در کتاب «آغاز و فرجام جنبش های سیاسی در افغانستان»، در تاریخ ۱۳ اپریل، امان الله خان در کابل در حضور درباریان و جمعی از مردم، بار دیگر در رابطه با اعلام استقلال افغانستان سخنرانی کرد.

امان الله خان در این سخنرانی که سفیر انگلیس نیز در آن حضور داشت گفت: من خود و مملکت را از نگاه داخلی و خارجی کاملاً آزاد و مستقل و خود مختار اعلام نموده ام. مملکت من از این به بعد مانند سایر ممالک و قدرت های جهان، مستقل خواهد بود.

به هیچ قدرت خارجی به اندازه مویی هم اجازه داده نخواهد شد که در مسائل داخلی و خارجی ما مداخله نماید و اگر کسی خواسته باشد به این امر دست زند، گردنش را با این شمشیر خواهم زد. سپس امان الله خان رو به سوی نماینده انگلیس در کابل کرد و گفت: ای سفیر آنچه من گفتم فهمیدی؟ و سفیر پاسخ داد: بلی.

در همین حال حادثه «جالیان والاباغ» هندوستان اتفاق افتاد که در این حادثه صدها نفر از اهالی هندوستان به فرمان یک افسر انگلیسی در ناحیه «جالیان والاباغ امرتسر» کشته یا زخمی شدند. بعد از این واقعه جمعی از مردم هندوستان به امان الله خان نامه نوشتند و او را از وضعیت رقت بار مردم هند آگاه ساختند.

در بخشی از این نامه آمده است: اعلی حضرت اطلاع دارند که ظلم و ستم انگلیسی‌ها در هندوستان بیش از حد زیاد شده، مردم هند در نظر دارند که یک مبارزه عمومی را بر ضد انگلیسی‌ها شروع نمایند. چشم امید ما به شما است؛ زیرا شما می‌توانید ما را از ظلم بی حد انگلیس‌ها نجات دهید. نامه مذکور در تاریخ ۱۵ اپریل به دست امان الله خان رسید و بسیار متأثر شد و پس از مشورت با همکاران خود، تصمیم گرفت که یک جرگه بزرگ ملی تشکیل دهد.

امان الله خان در این جرگه سخنرانی بسیار حماسی ایراد نموده و اعلام کرد: وقت آن رسیده است که مردم افغانستان بر علیه دولت بریتانیا قیام نمایند.

هنوز چند روز از پایان جلسه لویه جرگه نگذشته بود که نامه نایب السلطنه در جواب نامه امان الله خان به کابل رسید.

در این نامه از شناسایی استقلال افغانستان سخنی به میان نیامده بود و تنها به روابط براساس قرارداد های قبلی اشاره شده بود.

اعلام جهاد بر ضد نیروهای انگلیس

امان الله خان به این نتیجه رسید که انگلیس از طریق دیپلماتیک استقلال افغانستان را به رسمیت نمی‌شناسند، بنابراین علیه نیروهای انگلیسی اعلام جهاد کرد.

وی اقدام به بسیج همگانی مردم کرده و دستور اعزام نیرو به جبهه‌ها را صادر کرد و اقشار مختلف مردم افغانستان، با شور و شوق برای رفتن به جبهه‌ها به جوش و خروش افتادند.

بعد از بسیج مردم و اعزام یک هیئت دیپلماتیک به روسیه و کشورهای اروپایی جهت معرفی افغانستان به عنوان یک کشور مستقل، نیروهای نظامی افغانستان از ۳ جبهه مختلف به مناطق مرزی اعزام شدند تا به برقراری امنیت مرزها بپردازند و در صورت لزوم با متجاوزین برخورد نمایند.

آغاز جنگ با انگلیس

هنوز نیروهای نظامی به طور کامل در مرزها مستقر نشده بودند، که جنگ در منطقه شرقی آغاز شد و صالح محمد خان قبل از آن که دولت افغانستان به شکل رسمی اعلام جنگ کند، بدون هماهنگی با مرکز و سایر جبهات در ۱۳ ثور ۱۲۹۸ جنگ را آغاز کرد.

پس از حمله نیروهای افغانستان، انگلیسی ها ۷ روز بعد از زمین و هوا عملیات تهاجمی خود را آغاز کردند که در اثر بمباران هوایی ۱۲۰ نفر از اهالی منطقه کشته شدند و سپه سالار «محمد صالح خان» نیز زخمی شد و جبهه جنگ را ترک کرد و در نتیجه انگلیس ها وارد خاک افغانستان شدند و منطقه «دکه» را اشغال کردند. در این جنگ بیش از ۴۰۰ سرباز افغان نیز کشته شدند و جنگ سوم افغانستان و انگلیس این گونه آغاز شد.

قطع روابط میان افغانستان و انگلیس

پس از آغاز جنگ، مناسبات دولت افغانستان و انگلیس قطع شد و انگلیس ها «عبدالرحمان خان» سفیر کبیر افغانستان را از دهلی اخراج کردند و دولت افغانستان نیز «حافظ سیف الله» سفیر کبیر انگلیس را از کابل اخراج کرد.

بعد از اخراج سفیر انگلیس، این کشور شهر «جلال آباد» را بمباران کرد به طوری که دو سوم شهر ویران شد.

در دوم جوزا ۱۲۹۸ شهر کابل نیز بمباران شد و چهار بمب در نقاط مختلف شهر انداختند، یکی از اهداف این بمب ها کاخ سلطنتی و کشتن امان الله خان بود و بمبی به اتاق خواب امان الله خان نیز افتاد، اما او در زیرزمین برج شمالی ارگ پناه گرفته بود.

بعد از بمباران کابل، بعضی از اعضای دولت به امان الله خان پیشنهاد کردند که کابل را ترک کند و به «پغمان» برود، اما آنگونه که در کتاب آغاز و فرجام جنبش های سیاسی افغانستان آمده است، امان الله خان این پیشنهاد را رد کرد و گفت: این حرکت به ضعف رجال دولتی و حکومت و بی نظمی امور امنیت عمومی منجر می شود، حیات شخص من از حیات افراد جامعه ارزشمندتر نیست. این ایام، ایام جهاد فی سبیل الله است، در ارگ شهید شوم و یا در کوه و صحرا، فرقی ندارد. توکل من و همه اهالی و ملت افغانستان به خداوند بزرگ است.

طبق نوشته نوید راه اندازی نیروهای نظامی به نام جهاد، اقدامی فوق العاده مؤثر بود، زیرا عملیات نظامی در مقابل انگلیس ها در افغانستان از مدت ها با احساسات و مفاهیم مذهبی توأم بوده است.

اعلام رسمی جهاد، احساسات عمیق اسلامی روحانیون را برانگیخت و حتی آن عده از روحانیونی که بنابر علایق دیرینه مذهبی از «نصرالله خان» برای جانشینی وی برای سلطنت دفاع می کردند، اکنون خود را مکلف می دیدند که امان الله خان را به عنوان یک حاکم مشروع و قانونی به رسمیت بشناسند.

سهم علما و روحانیان دینی در جنگ برای استقلال بسیار ارزنده بوده و مؤید نفوذ فوق العاده این گروه در بین مردم بود.

سرانجام استقلال افغانستان به دست آمد

پس از بمباران کابل و جلال آباد و خسارت هایی که به مردم وارد شد، انگلیس ها تلاش کردند امان الله خان را مسئول خون های ریخته شده معرفی نمایند، هر چند که آنان موفق به این کار نشدند و مردم با سر دادن شعار های «الله اکبر» و «مرگ بر استعمار انگلیس»، انگلیسی ها را مسئول جنگ خواندند.

باوجود این احساسات، عده ای از بزرگان شورا و اعضای هیئت دولت خواستار برقراری صلح براساس قرارداد بین امیر حبیب الله و انگلیس شدند.

برخی از مورخان معتقدند که به رغم پیشروی در جبهه جنوبی، نیروهای افغان در جبهه مشرق چندان موفقیتی به دست نیاورند و با توجه به بمباران هوایی و تبلیغاتی که ضد جنگ صورت می گرفت، امان الله خان را مجبور کرد که به تقاضای آتش بس تن دهد.

سرانجام یک هیئت نمایندگی به سرپرستی «علی احمد خان»، برای طرح شرایط صلح، با «همیلتون گرانت»، نماینده انگلیس، در راولپندی ملاقات کرد. این مذاکرات منجر به قراردادی شد که در ۸ اگست ۱۹۱۹ در راولپندی امضا شد و در آن انگلیس، افغانستان را به عنوان یک دولت مستقل به رسمیت شناخت و در ۲۲ نوامبر ۱۹۲۱ معاهده «افغان و انگلیس» در کابل به امضا رسید، این معاهده که استقلال داخلی و خارجی افغانستان را تضمین می کرد، شرایط تبادل نمایندگان سیاسی بین کابل و لندن را نیز مساعد ساخت.

طبق نوشته «سید قاسم رشتیا» انگلیس با ترس از گسترش شعله های جنگ در مناطق مرزی قبایل پشتون و بلوچ، به زودی حاضر به قبول آتش بس شد.

به رسمیت شناخته شدن استقلال افغانستان از سوی انگلیس، بزرگترین دست آورد جنگ سوم افغانستان و انگلیس بود که امان الله خان آن را بزرگترین دستاورد خود و مردم افغانستان می دانست.